



A Hermeneutic Analysis of the Islamic Revolution Theory and the Commencement of history; A Case Study of the Islamic Revolution Led by Hossein Kechuyan and the Dawn of History

Mahdi Abbasi Shahkoo¹  Abbas Keshavarz Shokri² 

1. PhD student of Islamic Revolution Political Studies, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: mahdi.abbasi@shahed.ac.ir

2. Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Shahed University, Tehran, Iran. E-mail: keshavarz@shahed.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 21 September 2023

Received in revised form: 01 October 2023

Accepted: 04 October 2023

Published online: 02 February 2024

Keywords:

Islamic revolution, Iran, Islamic Awakening, Hossein Kechuyan, Hermeneutics.

ABSTRACT

The Islamic revolution that transpired in Iran posed a difficulty for the theorists of the revolution in their way of thinking. Revolutions of the past were either predicated on modernity or did not oppose it; they consisted of simple uprisings of the peasant or worker multitudes against the owners of property and power. However, during the Islamic revolution, the populace, leadership, slogans, and ideology were all in good standing with Shiite Islam. "Hossein Kechuyan" is the name of one of the philosophers who has contributed to the study of jihadi Islam. "The nature, reflection, and obstacles of the Islamic Revolution in the thought of Hossein Kechuyan" is the subject of this article. By employing the text hermeneutic method and documental information collection, an effort is made to comprehend the Islamic revolution theory and the progression of Quechuan history. The hermeneutic approach employed in the article revealed that Kechuyan believed that the Islamic revolution brought about a paradigm shift in the definition of revolution; its religious and cultural character contributed to its ability to dominate history; and as a result, it is regarded as one of the greatest revolutions. Because the great revolutions, by virtue of their civilizational essence, possess the capacity to exert influence over subsequent revolutions and alter the methodologies and demands of the movements. The article's novelty lies in its examination of an Iranian theorist specializing in revolutionary theory.

Cite this article: Abbasi Shahkoo, M., Keshavarz Shokri, A. (2023). A Hermeneutic Analysis of the Islamic Revolution Theory and the Commencement of history; A Case Study of the Islamic Revolution Led by Hossein Kechuyan and the Dawn of History. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 13(4): 114-127.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.364543.1653>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.364543.1653>



تحلیل هرمنوتیکی نظریه انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ؛ مطالعه موردی کتاب انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ حسین کچویان

مهدی عباسی شاهکوه^۱   عباسی کشاورز شکری^۲ 

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mahdi.abbasi@shahed.ac.ir

۲. استاد گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. keshavarz@shahed.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳</p> <p>کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، ایران، بیداری اسلامی، حسین کچویان، هرمنوتیک.</p>	<p>وقوع انقلاب اسلامی ایران به چالش در اندیشه نظریه‌پردازان انقلاب منجر شد. تا پیش از این انقلاب‌ها مبتنی بر تجدد شکل می‌گرفتند یا در تعارض با تجدد نبودند، بلکه صرفاً قیام توده‌های دهقانی یا کارگری علیه صاحبان قدرت و مالکیت محسوب می‌شدند. اما در انقلاب اسلامی، ایدئولوژی، رهبری، شعارها و مردم در جهت موافق با اسلام شیعی قرار داشتند. یکی از اندیشمندانی که در ساحت انقلاب اسلامی اندیشه‌ورزی کرده است، حسین کچویان است. این مقاله بر آن است تا به پرسش ماهیت، بازتاب و موانع انقلاب اسلامی در اندیشه حسین کچویان پاسخ بدهد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات اسنادی و با استخدام روش هرمنوتیک متن می‌کوشد نظریه انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ کچویان را بررسی و مطالعه کند. این مقاله بر مبنای روش هرمنوتیک دریافت مطابق نظر کچویان، انقلاب اسلامی که در مفهوم انقلاب، انقلاب کرده است، ماهیتی دینی و فرهنگی دارد و از همین‌رو نیز توانست به فتح تاریخ مبادرت کند و به این دلیل نیز در شمار انقلاب‌های کبیر قرار می‌گیرد؛ چراکه انقلاب‌های کبیر به دلیل ذات تمدنی خود توان اثرپذیری بر انقلاب‌های پس از خود را دارد و روش و مطالبات جنبش‌ها را تغییر می‌دهند. بدعت مقاله از آن‌رو است که متفکری ایرانی را در ساحت نظریه‌پردازی انقلاب بررسی کرده است.</p>

استناد: عباسی شاهکوه، مهدی؛ کشاورز شکری، عباس. (۱۴۰۲). تحلیل هرمنوتیکی نظریه انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ؛ مطالعه موردی کتاب انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ حسین کچویان. فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۳(۴): ۱۱۴-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.364543.1653>



© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.364543.1653>

۱. بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی ایران نه تنها نظم منطقه‌ای را دچار چالش کرد و منافع غرب را به مخاطره انداخت، در پی آن حاضران نشست‌ها و محافل سیاسی و اندیشه‌ورزانه آمریکایی این پرسش را مکرر مطرح می‌کردند که چه کسی ایران را از دست داد؟ این پرسش در نظریات انقلاب نیز سردرگمی را پدید آورد. تا پیش از این به نظر می‌رسید می‌توان انقلاب‌ها را بر مبنای حزب آوانگارد، تضاد طبقاتی، شورش‌های دهقانی، اصلاحات از سوی دیکتاتور، تنگناها و بغرنج‌های امنیتی و... تحلیل کرد، ولی با پیروزی انقلاب ۵۷ این پرسش مطرح شد که آیا می‌توان انقلاب‌ها را پیش‌بینی کرد. ناظران و متفکران حوزه انقلاب و مطالعات ایران، عوامل انقلاب‌های کبیر و انقلاب‌های گذشته را در ایران مشاهده نمی‌کردند و به همین دلیل هم دانش انقلاب نیازمند بازنگری شد. در این میان محققانی مانند اسکاچپول و فوران برای مفاهمه و تحلیل از انقلاب اسلامی و انقلاب‌های موسوم به جهان سوم تلاش‌هایی داشته‌اند. پست‌مدرن‌هایی مانند میشل فوکو که در وقوع انقلاب اسلامی حاضر و ناظر بودند و با حیرت از انقلاب اسلامی آن را «روح یک جهان بی‌روح» وصف می‌کنند، نیز بررسی‌هایی داشته‌اند.

پژوهشگران داخلی نیز آرای اندیشمندان مختلف خارجی را که تاکنون در مورد انقلاب اسلامی بررسی شده است، ارزیابی کرده‌اند، اما کمتر پژوهشگر ایرانی تلاش کرده است اندیشه محققان و اندیشمندان ایرانی در مورد انقلاب اسلامی را بررسی و تحلیل کند. این مقاله از این رو اهمیت دارد که نظریه اندیشمند ایرانی، حسین کچویان در مورد انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. مقاله می‌خواهد به این پرسش پاسخ بدهد که ماهیت، بازتاب و موانع انقلاب اسلامی ایران در اندیشه حسین کچویان چگونه است؟ پاسخ ابتدایی به این صورت ترسیم می‌شود: کچویان انقلاب اسلامی را به دلیل ماهیت اسلامی و غیرغرب‌گرا در شمار انقلاب‌های کبیر قرار داد که به فتح تاریخ نائل شده است و از همین جهت برای استمرار خود با مانع هویتی و مخاصمه نظام‌های تجدد غربی مواجهه دارد. این نوشتار توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از روش تفسیر متن-مؤلف محور «اسکینر» و با تأکید بر متن کتاب انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ، آرای کچویان را مفاهمه می‌کند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز طبعاً کتابخانه‌ای، اسنادی و گفت‌وگوهای کچویان با رسانه‌ها خواهد بود.

در نوشتار حاضر ابتدا سیری مجمل در روش‌شناسی تفسیر متن صورت می‌گیرد و در نهایت از روش‌شناسی اسکینر استفاده خواهد شد. در مقطع بعدی به سراغ نیت مؤلف، سپس زمینه‌ها و محمل تولید متن مذکور خواهیم رفت تا در نهایت به متن مراجعه و پرسش اصلی مقاله را جست‌وجو کنیم.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد ماهیت انقلاب اسلامی، صدور انقلاب و بازتاب انقلاب اسلامی کتب و مقالات بسیاری نوشته شده است. از جمله می‌توان به مقاله «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب» (خرمشاد، ۱۳۸۳)، کتاب بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران (خرمشاد، ۱۳۹۰)، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌المللی (دهشیری، ۱۳۸۸)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی (محمدی، ۱۳۸۵) به ماهیت و بازتاب انقلاب اسلامی ایران پرداختند و تا حدی آرای مشابه با کچویان ارائه می‌دهند.

مقاله حاضر که به آرای کچویان در رابطه با انقلاب اسلامی ایران تمرکز دارد، به غیر از مقاله «نظریه بومی‌گرایی حسین کچویان» (حسین‌زاده یزدی و حدادی، ۱۳۹۵) اثر مشابهی را نمی‌بیند. بدعت و تاژگی پژوهش از آن جهت است که کمتر اثری به اندیشمندان ایرانی به‌عنوان نظریه‌پرداز انقلاب پرداخته است، همچنین هیچ اثری به آرای کچویان در رابطه با انقلاب اسلامی ایران توجه نداشته است.

۳. روش شناسی تفسیر متن

تفسیر به معنای برون‌نهادن، آشکار ساختن و از نهان درآوردن است. تفسیر، کوششی برای واضح‌ساختن یا ادراک موضوعی خاص (ابژه) است. تفسیر به دنبال درک معنا است، برخلاف تعلیل که می‌خواهد با علت‌کاوی به معرفت دست یابد. پژوهش‌گر در تفسیر به دنبال معناکاوی است و به جای مشاهده به سراغ تجربه درونی می‌رود. تفسیر به فهم توجه دارد؛ به‌طوری‌که در این فرایند می‌توان به تفهیم رسید. وظیفه اصلی تحلیل تفهیمی، بازسازی فرایندی است که براساس آن واقعیت اجتماعی به‌صورت معناداری ساخته شده است. نتیجه تفسیر نیز تأویل خواهد بود؛ زیرا از راه تفسیر می‌توان به اصل هر چیزی واقف شد. در رهیافت تفهیمی، انسان به‌طور کلی موجودی تفسیرگر فرض می‌شود. به این مفهوم که آدمی از هر چیزی در پیرامون اوست و یا در زندگی عادی خود مشاهده می‌کند، تفسیری دارد. به بیان واضح‌تر، انسان موجودی مفسر است، از آن‌رو که دائم و پیوسته در حال فهمیدن است؛ یعنی می‌فهمد، برداشت می‌کند و براساس آن نیز عملی از او سر می‌زند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۷).

همان‌طور که گفته شد، روش هرمنوتیکی یا تفسیری در برای تبیین علت‌کاوی و آماری قرار دارد؛ چراکه هدف تبیین نیست، فهم است. وظیفه هرمنوتیک مقدس یا اولیه، واژه‌شناسی بود که طی آن رسیدن به متن مقدس از میان متون چهارگانه مهم تلقی می‌شود. اما در گذر زمان به متون حقوقی و اجتماعی نیز راه یافت و به فهم همه پدیده‌ها تسری یافت. در روش هرمنوتیکی، معنا و تفسیر دو کلیدواژه اصلی هستند، به‌طوری‌که محقق باید دنبال معنای پنهانی هر موضوع و تفسیر آن باشد. در رویکرد هرمنوتیک برای شناخت بهتر پدیده‌ها و موضوعات باید باورها و هنجارهایی را که پشتوانه فکری هستند، شناسایی شوند. همچنین تأویل موضوع، زمانی ممکن می‌شود که موضوع به متن درآمده باشد. از این‌رو، فهم تأویلی پدیده‌های سیاسی و اجتماعی زمانی مقدور خواهد بود که به شکل معناداری در قالب متن ظاهر شود. «متن یک کل است و کلیتی بر آن حاکم است. میان کلیت و اجزای متن ارتباط وجود دارد و کل بر مبنای اجزای آن و اجزاء بر مبنای کلیت معنا می‌شوند. هرمنوتیک تلاشی برای فهم کلیت متن است» (معینی علمداری، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۵۱). آنچه اهمیت دارد، نیت مؤلف، معنای متن و زمینه آن است. در همین حال شالیر ماخر و امیلیو بتی مؤلف‌محور هستند، اسکینر به نیت و قصد مؤلف و درنهایت زمینه متن تأکید دارد، اما گادامر با بهاندادن به مؤلف، متن-مفسر محور است (حقیقت، ۱۳۹۴: ۳۶۳).

معینی علمداری نیز سه نوع گرایش فکری و روش‌شناختی هرمنوتیکی را دسته‌بندی می‌کند:

- جریان نخست، بین تفسیر و تبیین، تفاوت کامل در نظر می‌گیرد؛ تایلر، هایدگر و گادامر.
 - جریان دوم بر الزام سازش میان فهم و تبیین و تاریخ معتقد است. شالیرماخر، دیلتای، بتی و ریکور، آپل و هابرماس.
 - جریان آخر، امکان فهم را منکر می‌شود و درعین حال به احتمال صدق امور تجربی نیز باور نداشته است. در مقابل از کثرت تفاسیر سخن گفته می‌شود و نگرشی ضد میناگرایی دارد: واتیمو، دریدا، کاپوتو و استانلی فیش (معینی علمداری، ۱۳۸۹: ۱۴۹).
- نگارنده این سطور به دنبال هرمنوتیک و تفسیر به‌مثابه روش تحقیق است تا بتواند در پرتو این روش، ماهیت انقلاب اسلامی را در اندیشه حسین کچویان و با تأکید بر متن اصلی و منتخب وی «انقلاب اسلامی افتتاح تاریخ» را مفاهمه کند. از همین‌رو در ادامه به سه نوع روش‌شناسی تفسیر متن-مؤلف‌محور، متن‌محور، متن-مفسر محور می‌پردازد.

۳-۱. تفسیر متن‌محور

روش‌شناسی تفسیر یا قرائت متنی، به استقلال ذاتی متن معتقد است و برای فهم متن، خود متن را بررسی می‌کند و هر کوششی برای بازسازی زمینه اندیشگی و اجتماعی متن را بیهوده می‌داند. همان‌گونه که ابراز شد، روش‌شناسی تفسیر متنی بر خود متن به‌مثابه ابژه مستقل تحقیق و فهم توجه دارد و معتقد است متون کلاسیک صاحب «عناصر فرازمانی» همچون ایده‌های عام و دارای «حکمت فراتاریخی» با کاربرد عام هستند. براین اساس، بررسی دوباره متون کلاسیک بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و تاریخی که متن در آن تولید شده است،

از آنجا که به پرسش‌های فرازمانی پاسخی عام می‌دهند، ضرورت دارد و مفید تلقی می‌شوند. با اساس همین منطق که متون کلاسیک، پاسخ‌های عام را در برابر پرسش‌های فرازمانی ارائه می‌کنند، بردن آن متون در یک شرایط تاریخی خاص، موجب فهم بسته و نادرست از متن استو شمولیت متن را از بین خواهد برد (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۶۲). ریکور به‌عنوان نام‌آشناترین مفسر متن‌محور به شمولیت متون کلاسیک اعتقاد داشت. او در این باره به نظریه عدالت جان راولز اشاره می‌کند: راولز فرایندی جهان‌شمول برای عدالت در نظر گرفته است که به تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی بی‌اعتناست. همچنین ریکور معتقد است باید جهان‌شمول‌گرایی نظریه راولز را ارج نهاد و در تکمیل آن کوشید (حقیقت، ۱۳۹۴: ۴۰۶). روش‌شناسی قرائت متن دارای دو بعد اثباتی و نفی است: در بعد اثباتی می‌کوشد متن را با تکیه بر خود متن معنا کند و اصل بر این است که در صورت تدقیق کافی بر خود متن، معنا و پیام متن ارائه می‌شود. در بعد نفی نیز معتقد است به هیچ‌وجه نباید به زمینه‌های اجتماعی-تاریخی و یا زندگی‌نامه، قصد، نیت و انگیزه‌های صاحب متن توجه کرد و نیز نباید از متن فاصله گرفت یا جدای از آن حرکت کرد.

۳-۲. تفسیر متن - مفسر محور (زمینه محور)

در روش‌شناسی قرائت زمینه‌ای، چارچوب یا زمینه برای معنا و فهم متن تعیین‌کننده است، به طوری که فهم متن، متوقف بر فهم زمینه‌های فکری، دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ بنابراین مفسر برای مفاهمه، زمینه‌ای را که متن در آن تولید شده است، بازسازی می‌کند. براین اساس، انتزاع تفکر و متن از زمینه آن امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان از متن بدون زمینه درک درستی پیدا کرد. این بدان مفهوم است که مفسر باید متن را برحسب تحولات تاریخی و اجتماعی مطالعه کند؛ زیرا نویسنده متن در جامعه‌ای خاص زندگی می‌کند و می‌کوشد آن جامعه را متقاعد کند و به پرسش‌های جامعه خود پاسخ بدهد. در این میان گادامر تلاش کرد متن را با آگاهی از پیش‌فهم‌ها معنا کند. هرمنوتیک گادامری شکلی موقعیتی دارد، بدان معنا که مفسر باید به موقعیت و شرایطی که متن در آن شکل می‌گیرد، توجه داشته باشد. گادامر آگاهی را با اصالتی تاریخی معرفی می‌کند و معتقد است تاریخ در شکل‌گیری فهم دست‌اندرکار است. او بر آن است که فهم، همواره واقع‌ای تاریخی، دیالکتیکی و زبانی است و کلیدهای فهم دستکاری و سلطه، دانش و روش‌شناسی نیستند، بلکه مشارکت، گشودگی، تجربه و دیالکتیک هستند (پالمر، ۱۳۸۹: ۲۱۱-۲۳۷).

هرمنوتیک فلسفی آلمانی که هایدگر و گادامر پیشگامان آن محسوب می‌شوند، در مورد ماهیت فهم آدمی نکاتی را مطرح می‌کند که افزون بر فیلسوفان و معرفت‌شناسان، متکلمان و ناقدان ادبی و نیز عالمان علوم تجربی را نیز به چالش کشید و بینش سنتی و مقبول آن‌ها را زیر سؤال برد. این آرا به همان صورت که مورخ یا هنرشناس را به تکاپوی علمی در رد یا قبول متمایل می‌کند، متکلم و عالم علوم دینی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ زیرا برخی پیش‌فرض‌های مقبول در باب امکان دست‌یابی به فهم عینی و امکان فهم مطلق و غیرنسبی را به چالش می‌کشند. بینش مرکزی هرمنوتیک فلسفی گادامر براین اساس است که تفسیر مفسران و علم عالمان علوم اجتماعی با زمینه‌هایی از سنت پیوند خورده‌اند و آن‌ها با پیش‌دانسته‌های خود به تفسیر موضوع می‌پردازند. در نتیجه نمی‌توانند با ذهنی بی‌طرف و خالی اقدام به تفسیر کنند. گادامر تصریح می‌کند هرمنوتیک یک روش‌شناسی در علوم انسانی یا روشی برای هنر فهمیدن نیست، بلکه نوعی فلسفیدن است. پرسش اصلی گادامر این بود که فهم چگونه ممکن است؟ مراد او از «فهم» مطلق فهم، اعم از فهم در عرصه علوم طبیعی و انسانی یا هر حوزه معرفتی بود (غفاری قره‌باغ، ۱۳۷۸).

۳-۳. تفسیر متن - مؤلف محور

اسکینر معروف‌ترین چهره در مفسرات متن-مؤلف‌محور است که هرمنوتیک را به‌مثابه روشی برای تفسیر و فهم متون می‌داند. بر همین اساس، روش‌شناسی خود را برای مطالعه و تحقیق پیرامون اندیشه سیاسی مطرح کرده است. در این روش‌شناسی، تفسیر متن و فهم معنای آن با تأکید بر شیوه عمل بیانی یا کنش گفتاری امکان می‌یابد. در تفسیر اسکینر آنچه اهمیت دارد، کشف قصد و منظور مؤلف است. او مانند هیرش بر این باور است که در هر متن، پیام یا معنایی نهفته است که مفسر وظیفه آشکار کردن آن معنا را دارد. از منظر اسکینر،

دانستن انگیزه‌ها و نیت مؤلف سبب می‌شود تا به رابطه مؤلف با آنچه نوشته است، پی ببرد؛ چراکه هر نویسنده به‌صورتی طبیعی درگیر یک عمل ارتباطی قصد شده است؛ بنابراین مسئله اصلی در مطالعه متن، یافتن این نکته است که نویسنده هنگام نوشتن، قصد بیان چه چیزی را داشت که با بیان این سخن معین می‌خواست با آن‌ها ارتباط برقرار کند (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۷۶-۱۷۷).

روش‌شناسی تفسیری اسکینر بر دو پایه سلبی و ایجابی قرار دارد. او در بعد ایجابی متدولوژی خود معتقد است باید متن و بلکه هر عبارت آن را به‌مثابه عینیت یک عمل مفاهمه‌ای یا ارتباطی قصدشده در نظر آورد که مؤلف می‌خواهد براساس آن با مخاطب خود ارتباط بگیرد و به مقصودش برسد. از همین‌رو باید توجه کرد فهم معنای متن باید از درون آن متن خارج و به رابطه میان متن و خالق آن تأکید شود. افزون‌براین، برای شناخت ارتباط میان متن و نویسنده آن باید فضای گفتمانی و ارتباطی را که متن در آن تولید شده است، بازسازی کرد. برای بازسازی فضا باید به ظهور توأمان به چالش‌ها و علائق سیاسی، زبان، معنا و مفاهیم مرسوم، عرف، عادات و سنن حاکم بر استدلال‌های سیاسی و اجتماعی آن دوره زمانی و مکانی توجه کرد (تولی، ۱۳۸۳).

در بعد سلبی نیز نکاتی را مطرح می‌کند: اسطوره‌دکترین که به دو شکل ناهنجاری تاریخی که طی آن اندیشمند صاحب دکترین قلمداد شده است که نه معانی و مفاهیم دکترین در دسترس او بود و نه او قصدی در تولید آن داشته است. شکل دیگر به ریخت‌شناسی لغوی ایده‌ها بازمی‌گردد که مؤلف برای نظر خود، شرایطی ایدئال و در سطح دکترین در نظر می‌گیرد که از واقعیات تاریخی دور است. اسطوره انسجام زمانی واقع می‌شود که مفسرین بخواهند نظرات پراکنده اندیشمند را انسجام ببخشند و آن را به دکترینی منسجم شبیه کنند. اسطوره کوتاه‌نظری یا محدودیت فکری که پژوهشگر با مطالعه شباهت استدلالی میان دو متن، تقدم و تأخرهای کاذبی را به لحاظ تأثیرپذیری نویسندگان بر یکدیگر در نظر می‌گیرد. استراتژی‌های غیرمستقیم یا کنایه‌آمیز که معمولاً به دلیل سرکوب نویسنده در شرایط خفقان اتخاذشده و طی آن منظر نویسنده به اصطلاح در بین خطوط مستتر شده یا مفاهیم با طنز، کنایه و استهزاء در پرده ابهام فرورفته است که می‌تواند مفسر را به خطا سوق بدهد (نوذری و پورخداقلی، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۶). مقاله حاضر با استفاده از روش هرمنوتیک اسکینر، ابتدا نیت مؤلف و زمینه‌های شکل‌گیری نظریه افتتاح تاریخ را می‌کاود و در مرحله بعد به ادراک و تأویل متن نظریه مذکور می‌پردازد.

۴. تفسیر متن کتاب انقلاب اسلامی افتتاح تاریخ

۴-۱. نیت مؤلف کتاب انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ

در ابتدای دهه ۱۳۹۰، منطقه غرب آسیا و بخشی از آفریقا شاهد تحولات و نهضت‌های اجتماعی بود که هویت آن چندان مشخص نیست. برخی به اتکای فقدان رهبر و یا جریان و حزب پیشرو و در مقابل نقش شبکه‌های اجتماعی مانند «توییتر» و «فیس‌بوک» آن را جنبش‌های جدید یا فیس‌بوکی خواندند. برخی از نویسندگان ایرانی نیز به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی توجه داشته که مقاله «نقش رسانه‌های جدید در انقلاب‌های جهان عرب» (امیدی و رشیدی علویجه، ۱۳۹۱: ۴۵) همچنین مقاله «نقش رسانه‌های نوین در روند انقلاب‌ها، مطالعه موردی موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی» (مرادی و بیات، ۱۳۹۱: ۹۳) از این دست هستند. بعضی به دلیل وقوع آن‌ها در سرزمین‌های عربی و دموکراسی‌خواهی، وصف «بهار عربی» را مناسب دانستند. مقاله «ریشه‌های بهار عربی و دومینوی فروپاشی رژیم‌های عرب» نوشته سید محمدعلی تقوی از این دست است (تقوی، ۱۳۹۶).

برخی از جمله رهبر انقلاب اسلامی، این نهضت‌ها را به دنبال بازتاب انقلاب اسلامی ایران «بیداری اسلامی» توصیف کردند. رهبر انقلاب اسلامی مکرر و مداوم بر هویت اسلامی و مفهوم بیداری اسلامی تأکید داشته است:

«آنچه ما را در اینجا گردآورده، بیداری اسلامی است، یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌ها و انقلاب‌هایی را پدید آورده است که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد. خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آن‌ها را مغلوب و مقهور کرده است. شک نیست

که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره ر پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفت‌ها و تجربه‌ها متکی است. در صدوپنجاه سال اخیر حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان‌ساز اسلامی در مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا، پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلام‌اند» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶). براساس همین دیدگاه نیز آثار بسیاری نوشته شد. در آثاری که قیام کشورهای مسلمان را در قالب بیداری اسلامی و جنبش‌های اسلامی نوشته‌اند، سه نوع دیدگاه عمده و اصلی وجود دارد:

دسته نخست که بیشترین آثار خلق شده را به خود اختصاص می‌دهد، نگاهی اعلی به وقوع بیداری اسلامی دارد و در پی کشف دلایل و چرایی خیزش‌های اسلامی جدید است. در این راستا می‌توان به مقاله «نظریه بیداری اسلامی براساس اندیشه مقام معظم رهبری» اشاره کرد که نویسنده تلاش می‌کند با بررسی نظر آیت‌الله خامنه‌ای در مورد بیداری اسلامی، ماهیت و علت وقوع این جریان را کاوش کند (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۱). در این میان برخی از تألیفات، مهم‌ترین علت وقوع جنبش‌های اسلامی قرن بیست و یکم را معناگرایی و قدرت گفتمان انقلاب اسلامی می‌دانند. مقاله «بازتاب معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه» در همین چارچوب قرار دارد (عباسی اشلقی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). نوشته دیگری که در این جرگه قرار می‌گیرد و تلاش می‌کند به علل وقوع بیداری اسلامی توجه کند، مقاله‌ای با عنوان «تمدن اسلامی-ایرانی الهام‌بخش موج سوم بیداری اسلامی» است (خرمشاد و کیانی، ۱۳۹۱: ۲۷).

دسته دوم تألیفات در این راستا نیز به غایت و پیامدهای بیداری اسلامی پرداخته‌اند. در این راستا نویسندگان با ارائه مقاله «تأثیرات بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا بر امنیت ملی ج.ا. ایران» (محمدی، ۱۳۹۱: ۹۵)، مقاله «مواجهه گفتمانی ایران و آمریکا: از بیداری اسلامی تا اشغال وال استریت» (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۴۵) تلاش می‌کنند به پیامدهای خیزش‌های ۲۰۱۱ بپردازند. همچنین مقاله‌ای با نام «بیداری اسلامی و چشم‌انداز اسلام‌گرایی در یمن» (نیکو، ۱۳۹۱: ۹۱) نیز به همین امر توجه دارد و بر آن است که پیامدهای خیزش مردم یمن در این کشور را بررسی کنند. در این میان عباس مصلی‌نژاد نیز در مقاله خود «پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه» بر آن است تا آثار و پیامدهای تغییر حکومت به کمک جنبش‌های متأثر از بیداری اسلامی را بر موازنه قدرت در منطقه بررسی کند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳۵).

دسته سوم نیز نسبت به بیداری اسلامی نگاهی اندیشه‌ای دارند و تلاش می‌کنند با توجه به نقش بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران با تحلیل اندیشه سیاسی امام خمینی به بیداری اسلامی و خیزش مسلمان مسئله را بررسی کنند. در این میان پژوهشگرانی مانند محمدحسن شببانی‌فر با نگارش مقاله «بیداری اسلامی و موانع آن در اندیشه امام خمینی (ره)» به چالش‌های فراروی بیداری اسلامی از منظر امام خمینی پرداخته است (شببانی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۷۶). همچنین مقالات ژورنالیستی متعددی نیز در این زمینه وجود دارد که اندیشه امام خمینی را در مورد بیداری اسلامی بررسی کرده‌اند.

حسین کچویان نیز به‌عنوان جامعه‌شناس در پی آن است تا با آزمون هرکدام از اوصاف فوق، این نهضت‌ها را فهم کند. با این حال، او این نهضت‌ها را در چارچوب اثرگذاری «انقلاب کبیر اسلامی ایران» دید و دلایل خود را در کتاب انقلاب اسلامی، افتتاح تاریخ اقامه کرده است. نیت کچویان از تألیف این کتاب، معرفی هویت اسلامی این جنبش‌ها است که به عقیده او ذیل تاریخ‌سازی انقلاب کبیر اسلامی قابل فهم هستند (کچویان، ۱۳۹۱: ۵۲). به نظر می‌رسد کچویان در نظام معنایی رهبر انقلاب می‌اندیشد و نیت اصلی او این است آنچه را آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود درباره بیداری اسلامی اظهار داشته‌اند، در قالب اثری علمی و از منظر جامعه‌شناختی بنگرد.

۴-۲. زمینه شکل‌گیری متن کتاب انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ

زمینه‌ای که متن کتاب انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ حسین کچویان در آن شکل گرفته است، با آنچه در بخش «نیت مؤلف» گفته شد، پیوند دارد. محمل و زمینه اصلی متن را باید تاریخ انقلاب اسلامی دانست و زمینه فرعی را نیز تحولات دومینووار کشورهای عربی توصیف کرد. طبیعی است که می‌توان زمینه شکل‌گیری متون را به دو بعد درونی و بیرونی نویسنده مرتبط دانست. از این منظر باید زمینه‌های

شکل‌گیری تولد اندیشه و تفکر مؤلف را بررسی کرد، سپس به زمینه نزدیک‌تر تولید متن توجه کرد. حسین کچویان را می‌توان روشنفکری دینی به‌شمار آورد؛ چرا که ابتدا تحت تأثیر اندیشه‌های دکتر علی شریعتی و بعد از آن تفکرات امام خمینی قرار داشت. او همچنین با تحصیل در انگلستان با افرادی مانند «اریک وگلین»، «میشل فوکو»، «جان میلبانک» و «مک اینتایر» آشنا شد و دید او به مقوله تجدید تغییر کرد. متفکرانی مانند وگلین شدیداً تجددستیز هستند و نقدهای آن‌ها به مقوله «مدرنیته» مرجع بسیاری از آینده‌پژوهی‌های اجتماعی است. از زمان آشنایی کچویان با این اندیشمندان، دیگر ایجاد رابطه میان تجدید غربی و دین شرقی در مرکز توجه او نبود، بلکه طرز نگرشی سلبی به مقوله تجدید پیدا کرد. اولین نشانه‌های تجدیدستیزی کچویان را می‌توان در رساله دکتری او در دانشگاه منچستر دید که با نام «جامعه‌شناسی و دین بعد از تجدید» از آن دفاع کرد (گفت‌وگوی حسین کچویان با پیام فضلی‌نژاد در برنامه شوکران، شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران، <https://www.aparat.com/v/5MOR2>، ۱۳۹۸/۱/۱۲). کچویان در بعد ایجابی، پژوهشگری است که خود را مدافع تمام‌عیار گفتمان انقلاب اسلامی معرفی می‌کند. وی در بعد سلبی نیز منتقد تجدید غربی و غرب‌گرایان است و اساساً انقلاب اسلامی را در برابر تجدید غربی تعریف می‌کند که از این منظر به اندیشمندان حوزوی مانند آیت‌الله مصباح یزدی و سید محمد مهدی میرباقری (میرباقری، ۱۳۹۳) نزدیک می‌شود.

افزون‌براین، وقوع رخداد‌های انقلابی در جوامع عربی در ابتدای دهه ۱۳۹۰ نیز از زمینه‌های تولید متن کتاب کچویان است. در واقع بخشی از محققان غربی و ایرانی مانند جان اسپوزیتو در کتاب انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن (اسپوزیتو، ۱۳۸۸)، محمدباقر خرمشاد با کتاب بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران (خرمشاد، ۱۳۹۰) همچنین در مقالاتی مثل «انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر نظام بین‌الملل» (خرمشاد، ۱۳۹۷)، محمدرضا دهشیری در کتاب بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل (دهشیری، ۱۳۸۸) و آثاری مشابه بر مبنای تلاش انقلاب اسلامی برای صدور خود به جوامع مسلمان و غیرمسلمان تلاش کردند تا بازتاب این انقلاب در جوامع دیگر را مطالعه کنند. کچویان اما با ادعای اثرگذاری بسیار زیاد انقلاب اسلامی بر نهضت‌های پس از انقلاب ایران در اقصی نقاط جهان اعم از جهان اسلام و ملل دیگر همچون کشورهای آمریکایی تا جایی پیش می‌رود که انقلاب اسلامی را در بعد سلبی خود، خاتمه‌ای بر انقلاب‌های کبیر فرانسه و اکتبر شوروی تلقی می‌کند و البته در بعد ایجابی، آن را عامل افتتاح تاریخ، تولد جنبش‌ها و انقلاب‌های جدید می‌داند. کچویان در واقع انقلاب‌های عربی دهه ۱۳۹۰ را تحت تأثیر تاریخ تولید یافته در اثر انقلاب اسلامی می‌داند (کچویان، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۸). کچویان بازتاب و به قول خود پس‌لرزه‌های انقلاب اسلامی ایران را چنین فهرست می‌کند: به هلاکت‌رساندن انورسادات در مصر در سال ۱۳۶۰ به دست خالد اسلامبولی، مبارز مسلمان مصری، شکل‌گیری انتفاضه تونس دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتفاضه عراق در شهرهای کربلا و نجف که سرکوب شد، آغاز مقاومت اسلامی در لبنان پس از اشغال این کشور به دست آمریکا و متحدان غربی‌اش در سال ۱۳۶۱ و شکل‌گیری مقاومت نیروهای اسلامی در افغانستان علیه اشغال این کشور به دست شوروی که همگی انعکاس و بازتابی از گرم‌شدن تدریجی «انبار باروت» در جهان اسلامی با وصول امواج آتش انقلاب اسلامی بعد از خاموشی طولانی‌مدت اسلام‌گرایی است (کچویان، ۱۳۹۱: ۶۹-۷۰).

۴-۳. ماهیت، بازتاب و موانع انقلاب اسلامی در متن کتاب انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ

۴-۳-۱. ماهیت انقلاب اسلامی

حسین کچویان در ابتدای کتاب انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ به چگونگی اشکال جنبش‌های اجتماعی می‌پردازد. او معتقد است «شکل‌های مختلف اعتراض‌ها، کنش‌های جمعی، اعتراض‌ها و شورش‌ها به شکل نظام‌های اجتماعی یا همبستگی محلی موجود در مکان اجتماعی کنش وابسته است. نظم اجتماعی وابسته به ماهیتی تاریخی است. کنش‌های اعتراضی و جنبش‌های انقلابی تحت تأثیر ظهور شرایط تاریخی خاص است» (کچویان، ۱۳۹۱: ۵۵). کچویان تصدیق می‌کند پیش از ظهور تجدید غربی، ادیان به کمک ظهور انبیای الهی، نوع نظام اجتماعی و ماهیت همبستگی‌های جمعی را تغییر می‌دادند (کچویان، ۱۳۹۱: ۵۶)، اما در دوران تاریخی اخیر، جنبش‌ها تحت

تأثیر تجدد غربی شکل گرفتند؛ چراکه نظامی ارزشی با تجدد شکل گرفت که زمینه انقلاب‌های تمام‌عیار و کبیر را فراهم ساخته است. کچویان در کتاب تجدد از نگاهی دیگر تجدد را عصری پس از قرون‌وسطی می‌داند که در اروپا از شک به دین شروع شد و در برابر این تشکیک، انکای به عقلانیت خودبنیاد آغاز شد که طی آن انقلاب عظیمی در علم، فلسفه، هنر، اقتصاد، صنعت و سیاست پدیدار شد. این دوران را عصر روشنگری بعد از تاریکی یا عصر علم بعد از جهل خواندند (کچویان، ۱۳۸۳: ۷۴). در دیدگاه کچویان، تجدد یک نظام فکری و به تعبیری دینی کامل در تعارض با هر نوع نظام دینی و مبتنی بر وحی به‌ویژه در تقابل با اسلام است (حسین‌زاده یزدی و حدادیان، ۱۳۹۵: ۱۷۲). می‌توان گفت تجدد، انقطاع از دین و ترسیم زیسته‌ای مبتنی بر سکولاریسم است. بر این مبنا نیز تجدد، انقلاب‌هایی را به‌وجود آورد که این انقلاب‌های خاص با تحقق خود، موجب دو امر شدند:

۱. به‌عنوان الهام‌بخش سایر جنبش‌های انقلابی، صورت خاص و محتوای مشخصی برای جنبش‌های بعدی ایجاد کردند.
 ۲. نفس امکان جنبش‌ها و واکنش اعتراضی به احوال نامطلوب را به‌وجود آوردند (کچویان، ۱۳۹۱: ۵۷).
- به عقیده کچویان هر یک از این انقلاب‌های کبیر با ایجاد نیرویی تاریخی در پس خود، موجی از جنبش‌های انقلابی موفق یا شکست‌خورده را پدید آورده‌اند «فقدان آن‌ها، ما تاریخی خاص را که درباره جنبش‌های انقلابی نوشته‌ایم، نمی‌داشتیم و اعتراضات و کنش‌های جمعی، صورت خاص مشاهده‌شده در این تاریخ را نمی‌یافت» (کچویان، ۱۳۹۱: ۵۷). منظور از انقلاب کبیر این است که بتواند «نیروی تاریخی در پس خود ایجاد کند» و «موجی از جنبش‌های موفق یا شکست‌خورده را پدید آورد». براین اساس، سه انقلاب کبیر وجود دارد که با وقوع آن، تاریخ بخش عمده‌ای از جوامع بشری را از جهت ارزش‌های بنیادین، منابع تغییر، شیوه‌ها یا ابزارها و نیروهای اجتماعی پیشرو دگرگون کرده است، تحت تأثیر خود پس از پیروزی، موجی از انقلاب‌ها و جنبش‌های تابع را به‌وجود آورده باشد. بنابراین می‌توان از ۳ انقلاب کبیر در تاریخ سخن گفت: انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب کبیر اکتبر روسیه و انقلاب کبیر اسلامی ایران. از پس این سه انقلاب است که تاریخ بخش عمده‌ای از جوامع بشری از جهت ارزش‌های بنیادین، منابع تغییر و شیوه‌ها یا ابزارها و نیروهای اجتماعی پیشرو دگرگون شدند و تحت تأثیر خود پس از پیروزی، موجی از انقلاب‌ها و جنبش‌های تابع را پدید آوردند (کچویان، ۱۳۹۱: ۵۷).
- از نظر کچویان، انقلاب کبیر فرانسه انحرافی ساختاری در تاریخ بشریت یا ظهور تاریخ سکولار بوده است. این انقلاب، اوج تغییر و تحولات در غرب جدید است که با انقلاب اسپانیا در قرن ۱۳ شروع شد و در قرن ۱۷ با انقلاب انگلستان و نهضت استقلال آمریکا در قرن ۱۸ همراه شد. بر مبنای این انقلاب‌های تجددی، کل اجتماعات بشری درگیر و مشروط به شرایط تاریخی-اجتماعی خاصی گردیدند که انقلاب فرانسه آن را در نهایت تعیین و مشخص کرد. انقلاب فرانسه صورتی تازه را از زندگی و نظم سیاسی-اجتماعی پدید آورد. نتیجه انقلاب فرانسه، تولید جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌هایی مانند قیام عمر مختار در لیبی، قیام تنباکو در ایران، انقلاب سون یات سن در چین، انقلاب مکزیک، انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، انقلاب مشروطه و... بود (کچویان، ۱۳۹۱: ۵۸-۶۰).
- انقلاب کبیر دیگری که کچویان از آن نام می‌برد «انقلاب کبیر اکتبر شوروی» است. به عقیده او این انقلاب، معارضه نیروهای درونی تاریخ تجدد بود. انقلابی سوسیالیستی که انقلاب‌های بعدی خود را تحت تأثیر قرار داد و به‌صورتی عامدانه و برنامه‌ریزی‌شده به صدور خود پرداخت. مفهوم صدور انقلاب، در انقلاب متأثر از مارکسیسم ریشه دارد. امکان انقلاب شوروی از یک سو به اعتبار مبنای عقیدتی-سیاسی خود، در تغییرات تاریخی حاصل از انقلاب فرانسه ریشه دارد و از سوی به‌واسطه نقد درونی به نیروهای اجتماعی و منابع فکری اصلی تجدد، به نیرویی انقلابی در برابر نظم سرمایه‌دارانه تجدد تبدیل شد. وجه تمایز اثربخشی انقلاب شوروی و فرانسه:
۱. تمرکز بر تضادهای طبقاتی، مشکلات اقتصادی، نیروهای اجتماعی کارگری، روشنفکری، احزاب آوانگارد یا پیشرو.
 ۲. راهبرد نظامی، تحرکات و جنگ چریکی، ترور و کودتای نظامی به‌عنوان شیوه مبارزه علیه نظام حاکم
- اثرگذاری انقلاب شوروی بر مبارزات ضد استعماری مانند ملی‌شدن نفت در ایران، انقلاب کوبا، نهضت‌هایی بخش ویتنام انکارناپذیر است (کچویان، ۱۳۹۱: ۶۰-۶۶).

در نهایت کچویان از انقلاب کبیر اسلامی ایران به مثابه افتتاح باب تاریخ الهی یا بازگشت دین به تاریخ نام می‌برد. او مدعی است با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، توان تاریخی انقلاب‌های کبیر فرانسه و شوروی در سایر کشورها به پایان خود رسیده است. کچویان می‌گوید پس از وقوع انقلاب کبیر اسلامی در ایران، در هیچ نقطه‌ای از جهان مبتنی بر الگوی انقلاب‌های کبیر قبلی، جنبشی در جهان شکل نگرفت. همچنین تمامی تحولات اجتماعی سی‌ساله اخیر تحت شرایط تاریخی-اجتماعی ناشی از انقلاب اسلامی قرار دارد (کچویان، ۱۳۹۱: ۶۷). کچویان با استناد به آرای بومبرژه ماهیت انقلاب اسلامی را این‌چنین توصیف می‌کند: انقلاب ایران، برهم‌زننده و اخلال‌آفرین بود و توانست شیوه‌های قراردادی تحلیل و همین‌طور ریشه‌دارترین عادات و روش‌های عقلی و مفهومی موجود در تفسیر و تبیین‌های اجتماعی در غرب و نظریه‌پردازی را به چالش و تغییر وادار کند. وی بر مبنای نظر فوکو می‌گوید: «مطابق با شرایط تاریخی انقلاب‌های پیشین، وجود تضادهای اجتماعی یعنی دینامیک مبارزه طبقاتی یا دینامیک رؤیایی‌های بزرگ اجتماعی و دیگری دینامیک سیاسی، یعنی حضور یک پیشگام، یعنی یک طبقه، حزب یا ایدئولوژی، ویژگی ضروری و شرط به رسمیت شناختن یک تحول اجتماعی-سیاسی به‌عنوان انقلاب است» (کچویان، ۱۳۹۱: ۹۸-۹۹). کچویان همچون جان فوران، فوکو، خرمشاد و دیگر نظریه‌پردازان نسل چهارم انقلاب‌ها، تمایزات و ماهیت انقلاب ایران را این‌گونه وصف می‌کند: حضور همه ملت برخلاف اعتراضات طبقاتی، نداشتن دغدغه مادی یا اقتصادی در شعارهای انقلابی، تولید ایدئولوژی الهی برخلاف ایدئولوژی ساخته عقل خودبنیاد، معنویت‌گرایی، فقدان حزب پیشرو، سازمان‌دهی مبتنی بر نهادهای دینی: مسجد، حسینیه، هیئت‌های مذهبی و رهبری دینی (کچویان، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۷).

کچویان دیگر وجه امتیاز انقلاب اسلامی با انقلاب‌های پیشین را در راهبردهای خاص انقلاب اسلامی می‌داند. یعنی به کارنگرفتن خشونت و ارجاع‌ندادن به آن و انقلاب در مفهوم انقلاب: بسیج میلیونی و حضور گسترده زنان. بر این مبنا انقلاب اسلامی در مفهوم انقلاب نیز انقلاب کرد و به جای خشونت و اقدام چریکی، راهبرد بسیج همه ملت و ایجاد دسته‌های چندصد هزار نفری و چندمیلیونی را در خیابان برای مبارزه با طاغوت اتخاذ کرد (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۰۸). کچویان توضیح می‌دهد با بهره‌گیری از راهبردهای ضدخشونت و نیز تحریک نیروهای نظامی به فرار و ایجاد انشقاق در صفوف ارتش، رژیم حاکم را وادار به پذیرش انقلاب کرد و از آنجا که ارتش در نظام پهلوی کانون قدرت و حافظ نظم منطقه‌ای به حساب می‌آمد، این اقدامات ضربه‌ای بزرگ و اساسی بود که انقلاب را به پیروزی برساند (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

کچویان هم‌آوا و هم‌نظر با نظرات محمدباقر خرمشاد در مقاله «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب» (۱۳۸۳) یا حامد الگار، هویت انقلاب ایران را کاملاً اسلامی می‌داند. الگار درباره ماهیت انقلاب ۱۳۵۷ نوشت: «در انقلاب ۱۹۷۸-۱۹۷۹ دو ویژگی مرتبط به هم آشکار بود: حضور گسترده مردم در این نهضت که در هیچ یک از تحولات انقلابی در قرن بیستم سابقه و هم‌ترازی نداشت و دیگر ماهیت قاطعانه اسلامی این نهضت برحسب ایدئولوژی، سازمان‌دهی و رهبریت. تقریباً هر شهری در ایران علیه رژیم پهلوی بسیج شده بود، مردان و زنان از تمام طبقات اجتماعی برای نشان‌دادن تمایل خود به پایان‌دادن به نظام سلطنت و سلطه بیگانه در شهرها به خیابان‌ها ریختند... انقلاب... در جوهره‌اش کاملاً اسلامی بود. شرکت عناصر غیردینی شدیداً در حاشیه قرار داشت. نه جبهه ملی، نه حزب توده هیچ‌کدام نقش مهمی در این انقلاب ایفا نکردند... شعارهایی که مردم در طول تظاهرات‌های خود سر می‌دادند، غالباً شعارهای اسلامی بودند... و این ثمره اهمیت دین، خاصه ماه محرم بود که انقلاب را پیش برد. از همه مهم‌تر مساجد بودند که شالوده اصلی در ساماندهی انقلاب را شکل می‌دادند» (الگار، ۱۳۸۸: ۳۶۵-۳۶۶). کچویان نیز ماهیت و ایدئولوژی انقلاب ایران را برگرفته از فرهنگ اسلامی می‌داند. نقشی که مساجد، عید فطر و نمادها یا مناسک اسلامی در این جنبش داشتند، غیرقابل انکار است (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

۴-۳-۲. بازتاب انقلاب اسلامی

همچنان که پیش از این گفته شد، کچویان انقلاب اسلامی ایران را از نوع انقلاب‌های کبیر و به تعبیری در زمره انقلاب‌هایی با توان الگوسازی برای جنبش‌های پس از خود می‌داند. بر همین مبنا است که برای اثبات ادعای خود به بازتاب انقلاب اسلامی و نشانه‌های انقلاب

اسلامی در خیزش‌های کشورهای اسلامی و جنبش‌های اجتماعی پس از وقوع این انقلاب می‌پردازد. کچویان در این رابطه به خیزش‌های اسلامی و تأثیرپذیری جوامع اسلامی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند: شکل‌گیری و گسترش جبهه مقاومت اسلامی: حماس و جهاد اسلامی، انتشار کتاب ولایت فقیه در مصر و تدوین بیانیه «درس‌هایی از ایران»، تشکیل گروه انصار خمینی در مصر و سرکوب آن، اعدام انقلابی انورسادات، اثرگذاری بر تفکر اخوانی از جمله راشد الغنوشی (کچویان، ۱۳۹۱: ۶۹). کچویان معتقد است خیزش‌ها و جنبش‌های موجود در جوامع مسلمان در ذیل تاریخ انقلاب کبیر اسلامی معنادار و قابل‌تحلیل هستند. از منظر بازتاب انقلاب اسلامی بر ایدئولوژی نهضت‌ها و جنبش‌های پس از خود به‌ویژه در منطقه نیز می‌توان شواهدی را مانند نقش کانونی مساجد، نمازهای جمعه، نماز عید فطر و نمادها و مناسک اسلامی که حکایت از ماهیت اسلامی در ایدئولوژی جنبش‌ها دارد، ارائه داد همین ایدئولوژی اسلامی است که متأثر از فرهنگ اسلامی توان بسیج همگانی و حضور ملت در جنبش‌ها را ایجاد می‌کند؛ چراکه کسی و یا حزبی آن را نمایندگی نمی‌کند و می‌تواند اشتراکات را برای مشارکت بالا زیاد کند (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۱۸). راشد الغنوشی بازتاب هویتی انقلاب اسلامی را این‌گونه وصف می‌کند: «ما بعد از انقلاب ایران به ابعاد از اسلام دست یافتیم که فراموش شده بود»، «ما راه خود را پیدا کردیم». به مدد امام خمینی «جهش بزرگ در سطح اندیشه اسلامی و نهضت اسلامی بود که این ابعاد کاملاً از اندیشه اسلامی محو یا پنهان شده بود» (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

می‌توان تطبیق جنبش‌های اخیر با انقلاب اسلامی در نظر کچویان را در اثر بخشی فرهنگ اسلامی ملاحظه کرد و همچنان که گفته شد، حضور میلیونی مردم و اتکا بر قدرت ملت که به راهبرد بسیج عمومی در انقلاب اسلامی منجر شد، وجه اتفاق این جنبش‌ها با انقلاب کبیر اسلامی است (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۲۴). وی با استناد بر گفتارهای «عبود الزمور» در مورد راهبرد بسیج در انقلاب اسلامی معتقد است: «ایران به ما آموخت که ارتش و پلیس نمی‌تواند در مقابل قیام توده‌ها ایستادگی کند» و به مسئله الگوگیری مبارزان مسلمان از انقلاب ایران به‌عنوان یکی از بازتاب‌های انقلاب اسلامی در راهبرد مبارزاتی تأکید می‌کند که در جوامع عرب به اصطلاح «میلیونیه» شهرت یافت. افزون‌براین، کچویان حضور گسترده زنان در جنبش‌های موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی را محصول الگوی انقلاب کبیر اسلامی می‌داند که ذیل مفهوم بسیج ملت قابل معنا است. این در حالی است که به عقیده کچویان تا پیش از این، مبارزان مسلمان در قالب آموزش چریکی و تقابل نظامی منطبق بر اندیشه‌های انقلاب کبیر شوروی قرار داشتند (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۲۵). وی با تحلیل رویکردها و روش‌های جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌های کشورهای عرب مسلمان منطقه، معتقد است این جنبش‌ها تحت تأثیر تاریخ انقلاب کبیر اسلامی ایران شکل گرفتند. بر همین مبنا نیز از خاطرات رهبر انقلاب اسلامی استفاده می‌کند که ناظر بر بازتاب انقلاب ایران در آفریقای جنوبی است:

«نلسون ماندلا اینجا آمد، قبل از این که رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی سقوط کند، تازه از زندان آزاد شده بود. البته من قضایای انقلاب در آن کشور را خبر داشتم. در زمان ریاست جمهوری، سفری به مناطق جنوب آفریقا کرده بودم. آنجا مطلع شدم که دوستان و نزدیکان او قضایای انقلاب ایران را در زندان به او می‌دادند و او تحت تأثیر بود و از داخل زندان نسبت به امام اظهار ارادت کرده بود. البته این اظهار ارادت و تحت تأثیر قرار گرفتن مخصوص او هم نبود، من او را به‌خاطر مطالبی که می‌خواهم بگویم، مثال می‌زنم وگرنه شخصیت‌های بسیار برجسته‌تر از او هم در دنیا بودند که همین‌طور تحت تأثیر بودند. راجع به انقلاب شنیده بودم، آمد اینجا. یک گره کوری در آفریقای جنوبی بود که این همه مبارزات - سی سال، چهار سال مبارزه کرده بودند - به جایی نمی‌رسید. اینجا با من ملاقات کرد، به او گفتم که تجربه امام و انقلاب ایران این بود: تجربه حضور دل‌ها و تن‌ها بدون به‌کاربردن سلاح با پشتوانه اعتقاد و عاطفه. به اعتقاد من وقتی خیابان‌های شهرها از این مظهر حضور مردم مؤمن پر شدند - از هرکسی هم بر نمی‌آید؛ یک نوع ایمان لازم است - در مقابل این عظمت، همه نظام‌های سیاسی فرومی‌ریزند. او همان‌جا نکته را دریافت. بعد از اندکی حرکت‌های عظیم خیابانی را در آنجا شنیدیم که به تغییر آن رژیم حقیقتاً قهار و سفاک منتهی شده، به طوری که بعضی از شخصیت‌های سفیدها آنجا مجبور شدند با این‌ها همکاری کنند! بنابراین یک نظام چندین ده‌ساله

نژادپرست ظالم ستمگر با این حرکتی که الهامش از انقلاب اسلامی گرفته شده بود، از بین رفت» (بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان بسیجی طرح ولایت، ۱۳۷۹/۰۶/۱۰).

۴-۳-۴. موانع انقلاب اسلامی

با این همه، کچویان انقلاب اسلامی را با مانع بزرگی در مسیر حرکت تاریخی آن مواجه می‌داند. در واقع انقلاب اسلامی برخلاف تاریخ تجدیدی غرب و روند جهانی‌سازی حرکت کرد و به قول کچویان باب جدیدی از تاریخ را رقم زد که تاریخی غیرتجدیدی و بازگشت به معنویت و تاریخ الهی است. از نظر وی انقلاب‌های کبیر تحت شرایط تاریخی ناسازگار ظاهر می‌شوند. این جنبش‌ها به لحاظ تاریخی برخلاف انقلاب‌های تابع انقلاب‌های کبیر، از امکان اتکا و ابتنا بر تاریخ موجود و شرایط تاریخی حاکم برخوردار نیستند. جنبش‌هایی که فراتر از تعارض با نظم‌های سیاسی حاکم با تاریخ غالب نیز در تعارض قرار دارند، باید بر موانع سختی فائق آیند که به وضعیت تاریخی حاکم مرتبط می‌شود. این جنبش‌ها نیازمند نیرو و توانی غیرقابل مقایسه با جنبش‌های تابع انقلاب‌های کبیر هستند. انقلاب اسلامی تحت شرایطی اتفاق افتاد که منطبق تاریخ و سیر تحولات اجتماعی جهان، مطابق با دو انقلاب کبیر پیشین و هماهنگ با تجدد حرکت می‌کرد. گسترش نفوذ و بسط تدریجی سلطه غرب به کل جهان و نزدیک شدن به پایان تاریخ به نفع تجدد بود. انقلاب اسلامی بیرون از منطبق تحول و انقلاب‌های موجود به تغییر زمینه‌های اجتماعی پرداخت (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۳۸). بر همین اساس نیز غرب در برابر خیزش دوباره اسلام اقداماتی را صورت داد. به نظر کچویان نشانه‌های تقابل با اسلام در جوامع غربی را می‌توان در مواردی مانند ممنوعیت حجاب، منع ساخت مساجد و مناره، ممنوعیت غذای حلال و حملات نژادپرستانه مشاهده کرد و اقدامات عاجل غرب برای تقابل با امواج انقلاب اسلامی در منطقه را در تلاش برای حل مسئله فلسطین، تحریک صدام برای حمله نظامی به ایران و نیز تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان دید (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

افزون بر این، تجدد غرب به دنبال مصادره هویت و تاریخ جوامع است و می‌کوشد از طرق مختلفی پیوند نهضت‌های منطقه را با اسلام و انقلاب کبیر اسلامی ایران منقطع کند: تقویت رژیم‌های دیکتاتوری و تشدید سرکوب اسلام‌گرایی، مهندسی اجتماعی-سیاسی در راستای تداوم سلطه دموکراتیک، اسلام‌هراسی و مبارزه با تروریسم، ایران‌هراسی، موج سوم دموکراسی و انقلاب‌های مخملی در کشورهای مختلف، تقویت نیروهای سکولار و غرب‌گرا در برابر نیروهای اسلام‌گرا در منطقه، حضور فعال در جنبش‌ها و انقلاب‌های عربی برای حفظ تجدد مهم‌ترین اقدامات و راهبردهای غرب در برابر انقلاب اسلامی ایران است.

۵. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر کوششی در راستای فهم اندیشه و رأی حسین کچویان، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران درباره ماهیت، بازتاب و موانع انقلاب اسلامی بود. بر همین اساس مبتنی بر روش‌شناسی تفسیر متن اسکینر، تلاش شد بر اساس متن کتاب انقلاب اسلامی ایران و افتتاح تاریخ نوشته کچویان، نظریه افتتاح تاریخ بررسی شده شود. بر این اساس گفته می‌شود نیت مؤلف از تولید این متن، معرفی هویت اسلامی جنبش‌های پساانقلاب ایران است که به عقیده او ذیل تاریخ‌سازی انقلاب کبیر اسلامی قابل فهم است. مبتنی بر روش‌شناسی تفسیر متن، زمینه متن نیز جایگاه مهمی دارد. بر این مبنا گفته می‌شود زمینه شکل‌گیری متن، ابتدا تحصیلات و علایق اندیشگی کچویان است و پس از آن نیز دغدغه نویسنده در مورد انقلاب اسلامی و آرا و متونی است که نسبت به جنبش‌های ابتدای دهه ۱۳۹۰ شکل گرفته است. در نهایت نیز متن اثر بررسی شد. گفته شد کچویان موافق با آرای محققانی چون محمدباقر خرمشاد، بر جنبه فرهنگی انقلاب اسلامی تأکید دارد و معتقد است انقلاب اسلامی هم‌پایه و هم‌سطح دو انقلاب کبیر فرانسه و اکتبر شوروی توانسته است به افتتاح تاریخ دست یابد. منظور از انقلاب کبیر این است که بتواند «نیروی تاریخی در پس خود ایجاد کند» و «موجی از جنبش‌های موفق یا شکست‌خورده را پدید آورد» بر این اساس، سه انقلاب کبیر وجود دارد که با وقوع آن تاریخ بخش عمده‌ای از جوامع بشری را از جهت ارزش‌های بنیادین، منابع تغییر، شیوه‌ها یا ابزارها و نیروهای اجتماعی پیشرو دگرگون کرده است و تحت تأثیر خود پس از پیروزی، موجی از انقلاب‌ها و جنبش‌های تابع را به وجود آورده باشد. بنابراین

می‌توان از ۳ انقلاب کبیر در تاریخ سخن گفت: انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب کبیر اکتبر روسیه و انقلاب کبیر اسلامی ایران. براین مبنا انقلاب اسلامی ماهیتی ضدتجددی دارد و بازتاب آن از نوع تاریخ‌سازی است. همین امر نیز سبب ایجاد موانعی جدی بر سر بسط و بازتاب انقلاب اسلامی شده است. درواقع مهم‌ترین مانع بر سر راه تاریخ انقلاب کبیر اسلامی، تجدد غرب و جهانی‌شدن و تاریخ‌تجدد است که با وقوع انقلاب اسلامی ایران دچار چالش شده است.

در حقیقت انقلاب کبیر اسلامی ایران در سطح انقلاب‌های تمدن‌ساز، دارای توان و ظرفیتی گسترده است و به همین دلیل با مخاصمه‌های متکثر و قدرتمند گفتمانی روبرو است. هم‌اوردی که با انقلاب اسلامی از سوی تمدن غرب و همراهانش صورت می‌گیرد، در راستای کنترل امواج انقلاب اسلامی است؛ چراکه در ذیل آن با فرصت‌دادن به نظام منبعث از انقلاب اسلامی، تمدن جدید اسلامی متولد خواهد شد. این در حالی است که غرب به انحای مختلف از جمله ایران‌هراسی، جنگ تحمیلی، حمایت از رهبران دیکتاتور، حمایت از گروه‌ها و احزاب سیاسی سکولار و نظایر آن مانع حرکت طبیعی انقلاب اسلامی شده است. با این وصف، انقلاب اسلامی پروراننده و اثربخش جنبش‌های پس از خود است و بدین معنا فتوحی در تاریخ پدیدار شد؛ زیرا این انقلاب ایران بود که جمعیت میلیونی را مبنای انقلاب قرار داد و یا برخلاف انقلاب‌های پس از فرانسه و شوروی که نظام‌های دیکتاتوری بر سر کار آمدند، در انقلاب ایران براساس آرای ملت، نظام سیاسی متولد شد.

۶. منابع

- اسپوزیتو، جان. ال. (۱۳۸۸). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی. تهران: باز. الکار، حامد (۱۳۸۸). نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم. تاریخ ایران کمبریج. جلد هفتم. قسمت سوم. دوره پهلوی. تهران: مهتاب. امید، علی و مهرداد رشیدی علویجه (۱۳۹۱). نقش رسانه‌های جدید در انقلاب‌های جهان عرب (۲۰۱۱-۲۰۱۲). فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات. ۴۵-۷۶، ۸۷.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶.
- بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان بسیجی طرح ولایت، ۱۳۷۹/۰۶/۱۰.
- پالمر، ریچارد (۱۳۸۹). علم هرمنوتیک. تهران: هرمس.
- تقوی، سید محمدعلی (۱۳۹۶). ریشه‌های بهار عربی و دومینوی فروپاشی رژیم‌های عرب (تعیین‌کنندگی عوامل کوتاه‌مدت و نقش مدیریت سیاسی). دولت‌پژوهی، ۱۱، ۱-۲۶.
- تولی، جیمز (۱۳۸۳). روش‌شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی. ترجمه بهروز لک. فصلنامه علوم سیاسی، ۲۸، ۹۵-۱۱۹.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۱). مواجهه گفتمانی ایران و آمریکا؛ از بیداری اسلامی تا اشغال وال استریت. فصلنامه مطالعات جهان، ۳، ۱۴۵-۱۷۲.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۴). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: دانشگاه مفید.
- حسین‌زاده یزدی، مهدی و علیرضا حدادی (۱۳۹۵). نظریه بومی‌گرایی حسین کچویان. فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱، ۱۶۱-۲۰۳.
- خرمشاد، محمدباقر و کیانی، نیما (۱۳۹۱). تمدن اسلامی-ایرانی الهام‌بخش موج سوم بیداری اسلامی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۲۸، ۲۷-۵۰.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۳). بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۳)، ۸۶-۱۲۳.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۰). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران. تهران: سمت.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین‌الملل. اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۵، ۳۱-۵۶.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شیبانی‌فر، محمدحسن (۱۳۸۳). بیداری اسلامی و موانع آن در اندیشه امام خمینی (ره). فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ۱۰، ۱۷۶-۱۸۶.
- غفاری قره‌باغ، سید احمد (۱۳۸۷). هرمنوتیک فلسفی گادامر در بوته نقد. فصلنامه معرفت، ۱۲۸، ۹۹-۱۱۲.

- کچویان، حسین (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ (بیداری اسلامی در بهار عربی). تهران: سوره مهر.
- کچویان، حسین (۱۳۸۳). تجدد از نگاهی دیگر. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- گفت‌وگوی حسین کچویان با پیام فضلی‌نژاد در برنامه شوکران. شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۸/۱/۱۲. <https://www.aparat.com/v/5MOR2>
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). تأثیرات بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا بر امنیت ملی ج.ا.ایران. فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۳، ۹۵-۱۱۰.
- مرادی، حجت‌الله و بیات، مهدی (۱۳۹۱). نقش رسانه‌های نوین در روند انقلاب‌ها؛ مطالعه موردی موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی. فصلنامه عملیات روانی، ۳۳، ۱۱۲-۱۳۳.
- مرتضوی، سید خدایار (۱۳۸۶). تبیین روش‌شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوئینتن اسکینر. پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۱، ۱۵۹-۱۹۱.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۱). پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۲۷، ۳۵-۵۹.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۹). روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرا اثبات‌گرایی). تهران: دانشگاه تهران.
- تاجیک، محمدرضا، حسینی بهشتی، سید علیرضا، حقیقت، سید صادق، کوثری، مسعود، منوچهری، عباس و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۷). رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران: سمت.
- میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۳). بینش تمدنی. به کوشش حسین مهدی‌زاده. قم: کتاب فردا.
- نجفی، موسی (۱۳۹۱). نظریه بیداری اسلامی براساس اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۲۸، ۱۱-۲۶.
- نوذری، حسینعلی و پورخداقلی، مجید (۱۳۸۹). روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی: متدولوژی کوئینتن اسکینر. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۱، ۹۵-۱۱۹.
- نیکو، حمید (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و چشم‌انداز اسلام‌گرایی در یمن. فصلنامه ۱۵ خرداد، ۳۳، ۹۷-۱۲۲.